

تقسیم خسارت میان مسؤولان متعدد در مسؤولیت قهری

محمدرضا شرافت‌پیما*

استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر انزلی، رشت، ایران

پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۸

دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۱۲

چکیده

هرگاه اشخاص متعدد سبب ایراد خسارت شوند، هریک مسؤول جبران خسارت زیان‌دیده خواهد بود. مسؤولیت مذکور ممکن است از ابتدا مشترک و قابل تقسیم میان مسؤولان متعدد باشد (مسؤولیت جزئی) و ممکن است هریک از آن‌ها در برابر زیان‌دیده دارای مسؤولیت کامل یا مسؤولیت تضامنی بوده، مکلف به پرداخت تمام خسارت باشد. سؤال مهمی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که تقسیم خسارت میان مسؤولان متعدد، چه از ابتدا بنا بر نظریه مسؤولیت جزئی یا پس از پرداخت تمام خسارت و سیله یکی از مسؤولان، باید براساس چه معیاری صورت گیرد. حقوقدانان فرانسه برای حل این مسأله سه معیار تقصیر، تساوی و میزان تأثیر را پیشنهاد کرده‌اند. این نوشتار می‌کوشد با بررسی موضع حقوقدانان و قانون مدنی فرانسه در این زمینه و نیز موضع حقوقدانان و قوانین کشورمان در این زمینه، اثبات کند که از میان معیارهای مذکور، تقسیم مسؤولیت براساس میزان تأثیر در ایجاد خسارت منطبق با عدالت است و ارکان مسؤولیت مدنی به‌ویژه رابطه سببیت میان فعل زیانبار و ضرر را دارا است.



واژگان کلیدی: مسئولیت جزئی، مسئولیت تضامنی، معیار تقصیر، معیار تأثیر، معیار تساوی.

۱. مقدمه

در حقوق فرانسه هریک از عاملین و اسباب متعدد مکلف به پرداخت کل خسارت به زیان دیده است. البته در ماهیت حقوقی این تکلیف دو نظر وجود دارد: ۱) مسئولیت کامل^۱، ۲) مسئولیت تضامنی^۲. از این رو، زیان دیده می تواند برای دریافت تمام خسارت خود به هریک از مسؤولان مراجعه کند و مسؤول نمی تواند با استناد به این که عوامل دیگری در ایجاد خسارت مؤثر بوده اند و خسارت باید میان او و عوامل دیگر تقسیم شود، از خود دفاع کند.^۳ در حقوق ایران نیز برخی از حقوقدانان به مسئولیت تضامنی و برخی دیگر به مسئولیت جزئی یا نسبی^۴ مسؤولان متعدد نظر دارند.

مزیت تعهد به پرداخت تمام خسارت این است که موجب تضمین حق زیان دیده می شود؛ زیرا او از میان مسؤولان و اسباب متعدد، کسی را برای مطالبه خسارت انتخاب می کند که یا دارایی بیش تری داشته باشد یا مسئولیت خود را بیمه کرده باشد و یا با او رابطه دوستی و خویشاوندی نداشته باشد.

تقسیم خسارت میان مسؤولان در فرض مسئولیت کامل یا مسئولیت تضامنی در حقوق فرانسه و در فرض مسئولیت تضامنی یا مسئولیت جزئی یا نسبی در حقوق

1. responsabilité integrale = obligation au tout

2. obligation solidaire

۳. مسئولیت کامل اصطلاحی است که در حقوق و رویه قضایی فرانسه در موردی به کار می رود که هریک از مسؤولان در برابر زیان دیده، مسؤول پرداخت تمام خسارت بوده، جبران خسارت میان مسؤولان در ارتباط با زیان دیده قابل تقسیم نباشد. در حقوق فرانسه اصطلاح «تضامن ناقص» در برابر «تضامن کامل» (مسئولیت تضامنی) نیز به همین معنا است و در حقوق کشورهای عربی از آن به «مسئولیت تضامنی» تعبیر می شود. برای تحقق مسئولیت کامل شرایط آتی ضروری است: ۱) مسؤولان متعدد در برابر طلبکار (زیان دیده) واحدی قرار گرفته باشند، ۲) مسئولیت تضامنی از طریق قرارداد یا به موجب نص قانون ایجاد نشده باشد، ۳) تعهد قابل تقسیم باشد. در فرق بین این دو مسئولیت می توان گفت هر چند مسئولیت کامل دارای اثر اصلی مسئولیت تضامنی است، ولی آثار قرعی مسئولیت تضامنی را ندارد. برای مطالعه بیش تر رجوع کنید به: [۱، ص ۲۰۰ به بعد].

4. responsabilité partielle

ایران، از ملاک و معیار واحدی تبعیت نمی‌کند و در این باره از سوی حقوقدانان و رویه قضایی سه معیار تقصیر، تساوی و میزان تأثیر مطرح شده است، با این تفاوت که در حقوق فرانسه هیچ‌یک از این معیارها در قانون ذکر نشده، ولی در حقوق ایران به هر سه معیار در مواد قانونی اشاره شده است. در این نوشتار معیارهای مذکور به ترتیب در حقوق فرانسه و ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. تقسیم خسارت میان مسؤلان در حقوق فرانسه

برای دستیابی به نتیجه بهتر، تقسیم خسارت میان مسؤلان را در حقوق فرانسه در دو حالت جداگانه مورد بحث قرار می‌دهیم: حالت اول، هنگامی که مبنای مسؤولیت تمامی مسؤلان یکی است و حالت دوم، صورتی است که مبنای مسؤولیت برخی از مسؤلان با مبنای مسؤولیت دیگران متفاوت است.

۲-۱. وحدت مبنای مسؤولیت

در مسؤولیت مدنی، مبنای اولیه مسؤولیت، تقصیر است؛ اما این اصل به معنای نفی مسؤولیت بدون تقصیر در نظام حقوقی نیست؛ زیرا در برخی موارد، تقصیر هیچ تأثیری بر مسؤولیت ندارد. در مبنای این گونه مسؤولیت‌ها اختلاف نظر وجود دارد [۲، ص ۴۰-۴۵ و ۹۷؛ ۳، ص ۴۱-۴۴؛ ۴، ص ۳۷۹؛ ۵، ص ۶۶-۷۸]. در این بحث ما از این نوع مسؤولیت‌ها با عنوان مسؤولیت بدون تقصیر یا نوعی نام می‌بریم. ویژگی این نوع مسؤولیت آن است که نیاز به اثبات تقصیر ندارد. این اصطلاح در مقابل مسؤولیت مبتنی بر تقصیر به کار می‌رود که اثبات تقصیر در آن، شرط ایجاد مسؤولیت است. نیاز و یا عدم نیاز به وجود تقصیر، نقطه افتراق و وجه تمایز میان این دو نوع مسؤولیت است.



۲-۱-۱. مسؤولیت مبتنی بر تقصیر

در این صورت، فرض بر این است که خسارت وارد به زیان دیده از اجتماع چند تقصیر به وجود آمده است؛ یعنی هریک از عوامل به موجب تقصیر ارتكابی خویش که به اثبات رسیده، مسؤول است.^۱

در این حالت در اصل امکان رجوع پرداخت کننده تمام خسارت به سایر مسؤولان اختلافی نیست. با وجود این، برای تقسیم خسارت میان مسؤولان، معیار واحدی مورد توافق قرار نگرفته، بلکه سه نظر متفاوت در این زمینه بیان شده است.

۲-۱-۱-۱. معیار اول: میزان تأثیر هر سبب در ایجاد خسارت

طرفداران این معیار بر این باورند که سهم هریک از مسؤولان در جبران خسارت به میزان تأثیر و مشارکت هر مسؤول در ایجاد خسارت وابسته است [۶، ص ۶۲۳-۶۲۷ و ۱۱۱۲]؛^۲ یعنی هر مسؤول باید به مقدار اثرگذاری و نقش سببی خود در ایجاد خسارت به جبران آن بپردازد [۶، ص ۶۲۲]. به عبارت دیگر و مختصر، هریک از اسباب به اندازه سببیت خود در خسارت مسؤول است.

طرفداران نظریه سببیت کلی، تقسیم خسارت میان مسؤولان را براساس معیار میزان تأثیر مورد اعتراض قرار داده و گفته اند [۶، ص ۶۲۳]: معیار مزبور بر این فرضیه نادرست بنا شده است که بگوییم تأثیر اسباب مختلف می تواند در ایجاد خسارت با یکدیگر متفاوت باشد؛ حال آن که این فرض صحیح نیست، زیرا میزان تأثیر و نقش سببی

۱. اگر نگهدارنده اشیایی که دارای مسؤولیت نوعی (بدون تقصیر) است مرتکب تقصیری گردد که در ایجاد خسارت دخالت داشته باشد، مسؤولیت او مبتنی بر تقصیر است، نه مطابق احکام مسؤولیت نوعی ناشی از اشیا و در این صورت، خسارت بین نگهدارنده و دیگر مسؤول خطاکار برابر قواعد حاکم در این قسمت تقسیم خواهد شد.
۲. مازوها در کتاب دیگرشان معیار تقسیم به نسبت مساوی را برگزیده اند [۷، ص ۵۹۸]. برخی دیگر از نویسندگان حقوق فرانسه موافق این نظر هستند [۸، ص ۵۳۹]. قوانین برخی کشورهای دیگر این معیار را پذیرفته اند؛ مانند قانون مدنی آلمان (ماده ۲۵۴)، طرح قانون تعهدات فرانسه و ایتالیا (ماده ۷۸)، قانون لهستان و قانون یونان (به نقل از: [۶، ص ۱۵۱۰، زیرنویس ۲]).

هریک از عوامل کامل بوده، هر سبب، تمام خسارت را ایجاد کرده است. بنابراین، نمی‌توان گفت به‌عنوان مثال، یک عامل یک سوم خسارت و عامل دیگر دو سوم خسارت را به وجود آورده است.

از آن‌جا که میزان تأثیر هر عامل به صورت کامل است، تقسیم خسارت براساس این معیار مفهومی ندارد؛ زیرا بر فرض این‌که تقصیر پرداخت‌کننده، تمام خسارت را ایجاد کرده باشد وی جبران تمام خسارت را یا خود به عهده می‌گیرد و یا این‌که به عامل دیگر رجوع کرده، تمام خسارت را از او مطالبه می‌کند؛ زیرا عامل دیگر هم بنا بر فرض، سبب کل خسارت است. مگر این‌که ملاحظات دیگری مانند عدالت را در کنار این معیار قرار دهیم که در این صورت، با توجه به کامل بودن نقش سببی هر دو عامل فقط حکم به تساوی مسؤلیت هر یک از مسؤولان امکان‌پذیر است.^۱

این انتقاد تنها براساس پذیرش نظریه تعادل و برابری اسباب و شرایط در بحث «رابطه سببیت» می‌تواند صحیح باشد؛ نظریه‌ای که مورد پذیرش طرفداران سببیت کلی قرار گرفته است. ولی اگر نظریه سبب متعارف را در بحث مزبور ملاک قرار دهیم این نتیجه‌گیری صحیح نیست.

البته می‌توان گفت: اشکال اصلی که به این معیار تقسیم وارد است، عدم ارائه یک راهکار عملی برای تشخیص میزان تأثیر هر عامل در ایجاد خسارت است و این معیار فقط به این اصل نظری اکتفا کرده که هر کس باید به اندازه تأثیرش در ایجاد خسارت متحمل جبران گردد و به دادرس وسیله‌ای که در عمل بتواند با آن، مقدار این تأثیر را تعیین کند اعطا نمی‌کند و در این صورت، کار قضات برای تشخیص نقش سببی و میزان تأثیر هر یک از عوامل ایجاد خسارت دشوار می‌شود.

۱. پیروان نظریه سببیت کلی در عمل به این نتیجه، یعنی تقسیم خسارت بین مسؤولان متعدد به نسبت مساوی رسیده‌اند. ر.ک شماره ۲-۱-۲.



۲-۱-۱-۲. معیار دوم: تعداد مسؤولان (تقسیم به نسبت مساوی)

طرفداران این معیار می‌گویند: تقسیم خسارت باید براساس تعداد مسؤولانی که در ایجاد آن مشارکت داشته‌اند صورت گیرد؛ یعنی خسارت باید به صورت مساوی میان آنان تقسیم شود. برای مثال، اگر تعداد مسؤولان دو نفر باشد هر کدام یک دوم و اگر سه نفر باشد هر کدام باید یک سوم خسارت را بپردازد. بنابراین، ملاک تعیین سهم هریک از مسؤولان در میزان جبران خسارت، تعداد مسؤولان است [۶، ص ۶۲۳، زیرنویس ۱ و ص ۶۲۷، زیرنویس ۸؛ ۷، ص ۵۹۸].

این معیار با نظریه سببیت کلی سازگاری دارد و روشی است که از مقدمه آن نظریه به دست می‌آید؛ زیرا چنانچه بر حسب فرض، هر فاعل به‌تنهایی تمام خسارت را به وجود آورده باشد، باید تمام خسارت را هم جبران کند. اما از سویی، عدالت اقتضا می‌کند هیچ‌یک از مسؤولان نسبت به عمل زیان‌بار خویش فاقد مسؤولیت نباشد و از سوی دیگر بنا بر فرض، هریک از آنان به اندازه دیگری در ایجاد خسارت مشارکت داشته است. از این رو، خسارت باید به نسبت مساوی میان مسؤولان تقسیم گردد.

با این‌که این معیار از مزیت سهولت برخوردار است و اجرای آن بدون اعمال سلیقه قضات به‌سادگی امکان‌پذیر است [۶، ص ۵۳۷]، از انتقاد مصون نمانده است. به‌عنوان نمونه، برخی گفته‌اند: در این معیار، نقش سببی و میزان تأثیر هریک از اسباب خسارت نادیده گرفته شده است [۶، ص ۵۳۷].^۱ ساواتیه حقوقدان فرانسوی می‌گوید: این معیار نه‌تنها از اعمال سلیقه قضات جلوگیری می‌کند، بلکه از اجرای عدالت هم توسط آنان ممانعت به عمل می‌آورد. در واقع در این معیار، عدالت فدای سهولت شده است [۹، ص ۹۵].

۱. شایان ذکر است که این ایراد تنها بر مبنای نظریه سببیت جزئی وارد است؛ زیرا بنا بر نظریه سببیت کلی (که ما زوها از اولین طرفداران آن هستند) میزان تأثیر و نقش سببی هریک از تقصیرها در ایجاد خسارت با هم برابر است و بنا بر فرض، هر تقصیر به‌تنهایی سبب کل خسارت است.

۲-۱-۳. معیار سوم: درجه تقصیر هریک از اسباب

به عقیده طرفداران این معیار، در صورتی که تقصیر چند نفر باعث ایجاد خسارتی شود، بهترین راه حل برای تقسیم خسارت میان مسؤولان متعدد، معیار درجه تقصیری است که از آنان سر زده است [۱۰، ص ۵۷۰]. بنابراین، هر کس که مرتکب تقصیر سنگین‌تری شده باشد باید خسارت بیش‌تری بپردازد و اگر یک تقصیر آن قدر سنگین باشد که تقصیر قابل اغماض دیگر را به طور کامل تحت‌الشعاع قرار دهد و آن را بپوشاند مرتکب آن به‌تنهایی مسؤول تمام خسارت به‌شمار می‌آید.^۱

این معیار شاخص مفیدی را در اختیار قاضی قرار می‌دهد تا در عمل بتواند سهم هریک از مسؤولان را در جبران خسارت معین کند. به‌علاوه، درجه تقصیر بیانگر رابطه سببیت بین هریک از اسباب با خسارت است؛ زیرا به‌طور معمول، تأثیر هر سبب در ایجاد خسارت متناسب با درجه تقصیر آن است [۶، ص ۶۲۷]؛ یعنی این معیار که یک معیار عملگرا است با معیار میزان تأثیر (نقش سببی) که معیاری نظری محسوب می‌شود قابل جمع است. حتی اگر جمع بین این دو معیار هم ممکن نباشد عقل سلیم حکم می‌کند مرتکب تقصیر بزرگ‌تر، مستحق حکم شدیدتر باشد. مصلحت جامعه نیز همین امر را اقتضا می‌کند.

این ملاک در رویه قضایی فرانسه بیش‌تر اعمال می‌شود [۶، ص ۶۲۵ و ۱۱۱۳]؛ به گونه‌ای که تقریباً همه آرای محاکم که در آن حکم به تقسیم خسارت به‌طور نامساوی شده، مبتنی بر این معیار است.

البته دیوان فرانسه در این مورد دست قضاات را باز گذاشته تا تقسیم خسارت میان مسؤولان را بنا به تشخیص خود انجام دهند؛ زیرا دیوان عالی در آرای خود چنین مقرر کرده که پرداخت‌کننده تمام خسارت، حق رجوع به سایر مسؤولان را «مطابق با میزان

۱. در حقوق مصر، این راه حل به اجماع پذیرفته شده است؛ البته مشروط بر این‌که یک سبب مستغرق سبب دیگر شود؛ مانند آن‌که یکی از دو تقصیر، عمدی یا موجب وقوع تقصیر دیگر شده باشد [۱۱، ج ۱، ص ۱۰۱۸]. در حقوق فرانسه، این نظر در موردی که یکی از اسباب خسارت، تقصیر زیان‌دیده باشد به اجرا در می‌آید.



مسئولیت آنان» دارد. این عبارت تنها به معنای پذیرش اختیار دادگاه‌ها در تعیین مقدار خسارت هر مسئول نیست، بلکه به نظر می‌رسد دیوان می‌خواهد با عدم بیان معیار مناسب تقسیم در نزد خود، اختیار انتخاب در این باره را به قضات واگذار کند [۱۲، ص ۵۰۰].

معیار درجه تقصیر اگر چه بیش از سایر معیارهای پیشنهادی مقبولیت و رواج یافته است، ولی از حیث نظری و عملی ایرادهایی به آن وارد شده که در زیر به ترتیب ذکر می‌شود:

۱. این معیار با قواعد عمومی مسئولیت مدنی تعارض دارد؛ زیرا جبران خسارت را مجازات تلقی کرده، آن را با درجه تقصیر می‌سنجد؛ در صورتی که جبران خسارت باید با مقدار خسارتی که از یک سبب به وجود آمده تناسب داشته باشد. از این رو، این دیدگاه مسئولیت مدنی را به مسئولیت کیفری نزدیک کرده و با آن در آمیخته است [۶، ص ۱۱۱۳].

۲. این معیار با مبنای مسئولیت کامل درباره مسئولان متعدد تعارض دارد؛ زیرا مبنای مسئولیت کامل، به گونه‌ای که رویه قضایی آن را پذیرفته، عدم امکان تعیین مشارکت هریک از اسباب در ایجاد خسارت است. از این رو، فاعل هر سبب مسئول تمام خسارت تلقی می‌شود. با این مبنا دیگر نمی‌توان گفت دادرس می‌تواند خسارت را میان مسئولان با توجه به درجه تقصیر تقسیم کند؛ زیرا معیار تقصیر، تقسیم خسارت به قسمت‌های نامساوی را امکان‌پذیر می‌داند؛ یعنی تعیین میزان مشارکت هریک از اسباب در ایجاد خسارت بر طبق معیار مزبور امری ممکن است و بدین ترتیب، استدلال به عدم امکان تقسیم خسارت که دلیل مسئولیت کامل بود منتفی می‌گردد و در نتیجه، مبنای مسئولیت کامل نیز از بین می‌رود. به عبارت دیگر، نمی‌توان گفت امری واحد (تقسیم خسارت) یک بار امکان‌ناپذیر و بار دیگر امکان‌پذیر است؛ یعنی تقسیم خسارت در رابطه مسئولان با زیان‌دیده امکان‌پذیر نیست، ولی میان خود مسئولان امکان‌پذیر است.^۱

۳. معیار تقصیر از نظر عملی موجب اعمال سلیقه قضات می‌گردد و در موارد مشابه، احکام متفاوت صادر خواهد شد؛ زیرا تعیین میزان خسارت به نسبت درجه تقصیر آسان

۱. برای مطالعه بیشتر مبنای حقوقی مسئولیت کامل رجوع کنید به: [۸، ص ۲۰۰ به بعد].

نیست و به سادگی نمی‌توان تعیین کرد که یک تقصیر با تقصیر دیگر چقدر تفاوت دارد. برای مثال، چه کسی می‌تواند بگوید تقصیر راننده‌ای که دارای سرعت غیرمجاز است بیش‌تر است یا تقصیر عابری که در حال خواندن روزنامه از خیابان عبور می‌کند؟ و در صورت تفاوت، مقدار آن چقدر است؟ از این رو، دادگاه‌ها و قضات راه‌حل‌های بسیار متفاوتی را در موارد مشابه در پیش خواهند گرفت [۶، ص ۱۱۱۳].

۴. میان درجه تقصیر و میزان خسارت ناشی از آن هیچ رابطه مستقیمی وجود ندارد؛ به این معنا که ممکن است تقصیری سنگین در ایجاد خسارت نقش کوچکی داشته باشد و در مقابل، تقصیری کوچک سبب ایجاد خسارت زیادی شود. برای مثال، اگر راننده قطار مرتکب تقصیر کوچکی مانند بی‌توجهی در کم‌تر از چند ثانیه بشود، بدترین فجایع به بار خواهد آمد. علاوه بر این، تقصیر هر قدر هم کوچک باشد به‌تنهایی موجب تمام خسارت می‌شود و کلیه تقصیرها به هر درجه که باشند به یک اندازه در ایجاد خسارت مشارکت دارند [۶، ص ۱۱۱۲-۱۱۱۳]. فرض کنیم برای حرکت دادن یک واگن قطار نیرویی برابر یکصد واحد نیاز باشد. اگر «الف» با نیرویی برابر ۹۹ واحد آن را هل دهد، کم‌ترین حرکت و جابه‌جایی صورت نمی‌گیرد، ولی هنگامی که «ب» می‌آید و فقط به اندازه یک واحد به آن واگن فشار وارد می‌آورد، واگن به حرکت درآمده، «ج» را زیر می‌گیرد و موجب مرگ او می‌شود. آیا می‌توان گفت سببیت «ب» در ایجاد حادثه زیان‌بار کم‌تر از سببیت «الف» است؟ به طور قطع، پاسخ منفی است؛ زیرا بدون «ب» هیچ خسارتی به وجود نمی‌آید، همان‌گونه که کار «الف» به‌تنهایی موجب خسارت نمی‌گردید [۶، ص ۱۱۱۳]. بنابراین، میزان سنگینی تقصیرها تأثیری بر مسئولیت مدنی ندارد؛ هرچند ممکن است در مسئولیت کیفری مؤثر باشد.^۱ البته درباره مثال اخیر می‌توان گفت چون افراد متعدد با

۱. طرفداران معیار درجه تقصیر نیز به رغم پذیرش این معیار در جایی که تنها یک تقصیر موجب خسارت شده و یک مسئول وجود داشته باشد به لحاظ رعایت جانب زیان‌دیده که جبران کامل خسارت را ایجاد می‌کند از معیار درجه تقصیر دست کشیده و بدون توجه به آن، مرتکب را مسئول جبران کامل خسارت زیان‌دیده می‌دانند؛ ولی در صورتی که چند تقصیر در ایجاد خسارت مشارکت داشته و مسؤولان، متعدد باشند این معیار بدون این‌که با منافع زیان‌دیده تعارض پیدا کند به اجرا در می‌آید.



تقسیم خود سبب واحدی را برای خسارت ایجاد کرده‌اند درجه تقصیر در میزان مسئولیت آنان تأثیری ندارد؛ ولی هر گاه اسباب، متعدد و مربوط به دو یا چند نفر باشد خسارت و مسئولیت به نسبت تقصیر میان هریک از آنها تقسیم می‌شود.

۲-۱-۲. مسئولیت بدون تقصیر

در این حالت، بنا بر فرض، زیان دیده نمی‌تواند تقصیر هیچ‌یک از مسئولان را ثابت کند و مسئولیت آنان براساس نظریه خطر است؛ زیرا بنا بر این نظریه، شخص نه تنها مسئول زیان‌های حاصل از تقصیر خود است بلکه مسئول محیط مخاطره‌آمیزی است که ایجاد کرده است [۳، ص ۲۷]. حال اگر یکی از مسئولان تمام خسارت را به زیان دیده بپردازد آیا حق رجوع به سایرین را دارد یا خیر؟

حقوق و رویه قضایی فرانسه در این مورد برای پرداخت‌کننده تمام خسارت حق رجوع براساس مسئولیت بدون تقصیر قائل شده است. برای مثال، در صورتی که دو خودرو در ایجاد خسارت واحدی مشارکت داشته باشند هریک از آنها که خسارت را به طور کامل جبران کند، می‌تواند به موجب نمایندگی قانونی^۱، به سایر مسئولان در حد مسئولیت آنان، یعنی به نسبت مساوی مراجعه کند.^۲

۲-۲. تقسیم در صورت اجتماع مسئولیت بدون تقصیر با مسئولیت مبتنی بر تقصیر

در فرض وحدت مبنای مسئولیت، خواه مسئولیت مبتنی بر تقصیر باشد، خواه بدون

۱. حق رجوع پرداخت‌کننده تمام خسارت به سایر مسئولان براساس جانشینی از زیان دیده در بند سوم ماده ۱۱۲۵ قانون مدنی فرانسه مقرر شده است.

۲. شعبه مدنی دیوان، رأی مورخ ۱۱ فوریه ۱۹۸۱، دالوز ۱۹۸۱، شماره ۲۵۵. رویه قضایی از سال ۱۹۶۹ آرایه در این مورد صادر کرده است، برای نمونه: شعبه مدنی دیوان، رأی مورخ ۱۷ مارس ۱۹۷۱، دالوز ۱۹۷۱، شماره ۵۳۹؛ و رأی مورخ ۱۵ نوامبر ۱۹۷۲، دالوز ۱۹۷۳، شماره ۵۳۳ (به نقل از: [۹، ص ۱۰۸]).

تقصیر، اصل رجوع پرداخت‌کننده به سایر مسؤولان، اختلاف قابل توجهی را به دنبال ندارد؛ اما چنانچه مبنای حقوقی مسؤولیت متفاوت باشد رجوع چه حکمی دارد؟ آیا کسی که دارای مسؤولیت مبتنی بر تقصیر است می‌تواند به مسؤول دیگر که دارای مسؤولیت بدون تقصیر است رجوع کند؟ اگر زیان‌دیده خسارت خود را از کسی که دارای مسؤولیت بدون تقصیر است اخذ کند، شخص اخیر تا چه اندازه می‌تواند به کسی که مسؤولیت مبتنی بر تقصیر دارد رجوع کند؟ حالت دوم در عمل بیشتر اتفاق می‌افتد؛ زیرا اقامه دعوا بر مبنای مسؤولیت بدون تقصیر در مقایسه با مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، با منافع زیان‌دیده سازگارتر است.

مسؤولیت مبتنی بر تقصیر و مسؤولیت بدون تقصیر در صورتی با هم جمع می‌شوند که خسارت وارد به زیان‌دیده در نتیجه اجتماع دو سبب حاصل شده باشد: یک سبب معلول تقصیر مرتکب باشد و سبب دیگر ناشی از فعل اشیای تحت کنترل و نگهداری شخص دیگر، مشروط بر این‌که امکان انتساب تقصیر به شخص اخیر وجود نداشته باشد.

در چنین حالتی، اگر تقصیر فرد، برای دیگری واجد شرایط قوه قاهره (غیر قابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب بودن) باشد، موجب سلب مسؤولیت او می‌گردد. در غیر این صورت، او نیز در برابر زیان‌دیده دارای مسؤولیت بدون تقصیر است و زیان‌دیده می‌تواند برای جبران کامل خسارت خود براساس نظریه مسؤولیت کامل به هریک از دو مسؤول مراجعه کند. برای مثال، کارفرمایی برای تکمیل طرح ساختمانی خود یک کامیون آجر خریداری می‌کند و کارگران کارخانه آجرها را به داخل کامیون بار می‌زنند. اما به علت عدم دقت و بی‌احتیاطی در چیدن آن‌ها، آجرها فرو می‌ریزد و رهگذری آسیب می‌بیند. در این صورت، کارگران به موجب تقصیر ارتكابی دارای مسؤولیت مبتنی بر تقصیرند و کارفرمای طرح ساختمانی، اگرچه مرتکب هیچ‌گونه تقصیری نشده باشد، دارای مسؤولیت نوعی و بدون تقصیر است.

در این مسأله میان حقوقدانان از یک سو و رویه قضایی از سوی دیگر، درباره تقسیم



خسارت میان مسؤلان متعدد اختلاف نظر وجود دارد. از این رو، موضع رویه قضایی و حقوقدانان درباره این مسأله را به ترتیب بررسی خواهیم کرد.

۲-۲-۱. موضع رویه قضایی

نظر رویه قضایی فرانسه درباره تقسیم مسؤولیت در این فرض، در دو نکته خلاصه می‌شود:

۱. اگر مسؤولی که مرتکب تقصیر شده است خسارت زیان‌دیده را به طور کامل بپردازد حق ندارد به مسؤل دیگری که مرتکب تقصیر نگردیده، رجوع کند؛ یعنی مسؤل مقصر باید خود از عهده تمام خسارت برآید.

به عبارت دیگر، مسؤل خطاکار نمی‌تواند از قواعد مربوط به مسؤولیت نوعی (موضوع بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه) بهره‌مند شود و با استناد به آن علیه مسؤل دیگر که دارای مسؤولیت نوعی است اقامه دعوی کند تا قسمتی از خسارت پرداختی را از او بگیرد. این بدان جهت است که رویه قضایی معتقد است مسؤولیت نوعی مندرج در ماده فوق که نگهدارنده اشیا را در برابر زیان‌دیدگان از ناحیه اشیا مذکور مسؤل می‌داند فقط برای استفاده زیان‌دیدگان از ناحیه آن اشیا وضع شده و شخص دیگری که از اشیا مذکور خسارت ندیده نمی‌تواند با تمسک به این ماده، مسؤولیت نگهدارنده را ثابت کند.^۱

۲. نکته دوم نتیجه منطقی نکته اول است؛ بدین نحو که اگر زیان‌دیده به فردی مراجعه کند که دارای مسؤولیت نوعی و بدون تقصیر است و تمام خسارت خویش را از او دریافت کند شخص اخیر نیز می‌تواند به مسؤل دیگر که مرتکب تقصیر شده رجوع کرده، تمام خسارت پرداختی را از او بگیرد؛ یعنی در نهایت، مسؤل خطاکار باید تمام

۱. شعبه دوم مدنی دیوان، رأی مورخ ۳۱ فوریه ۱۹۷۳، بولتن آرای مدنی ۱۹۷۳، ج ۴، ص ۱۰۶ (به نقل از: [۹]، ص [۱۱۶]).

خسارت را بپردازد و مسئول غیر مقصر مکلف به پرداخت هیچ مقدار از خسارت نیست.^۱

۲-۲-۲. موضع حقوقدانان

حقوقدانان درباره دیدگاه رویه قضایی به دو دسته تقسیم شده‌اند؛ عده‌ای رویه قضایی را پذیرفته و عده‌ای دیگر آن را نقد کرده‌اند.

موافقان رویه قضایی بر این باورند که در فرض مذکور، تقصیر به‌عنوان مبنای اصلی مسئولیت مدنی، مقدم بر مسئولیت بدون تقصیر است. پس اگر از یک مسئول تقصیری سر زده باشد و مسئول دیگر مرتکب تقصیری نشده باشد، مسئول اول باید تمام خسارت را به عهده بگیرد؛ زیرا مسئول دوم فقط در برابر زیان‌دیده مسئولیت دارد [۱۱]، ج ۱، ص ۱۰۲۰، زیر نویس [۱].

به‌علاوه، تقسیم به نسبت مساوی میان مسئولان متعدد مستلزم برابری افعال آنان، یعنی یکی بودن عامل ایجاد مسئولیت است؛ ولی هنگامی که مسئولیت بر مبنای متفاوتی (تقصیر و بدون تقصیر) بنا نهاده می‌شود بیانگر آن است که افعال مسئولان با هم برابر نیست. اما گروهی از حقوقدانان که با رویه قضایی مخالفت کرده‌اند معتقدند حتی در صورت تفاوت مبنای مسئولیت، راه حل صحیح، تقسیم خسارت میان مسئولان متعدد است [۶]، ص ۷۷۱ و ۷۷۳؛ ۷، ص ۴۶۳].

۳. تقسیم خسارت میان مسئولان در حقوق ایران

در حقوق ایران پس از احراز مسئولیت هریک از مسئولان، به منظور تقسیم خسارت

۱. شعبه دوم مدنی دیوان، رأی مورخ ۱۱ جولای ۱۹۷۷، دالوز ۱۹۷۸، شماره ۵۸۱. به موجب این رأی، شخصی که در خودرو دوست خود که مشغول رانندگی بوده سوار می‌شود و در اثر تصادم با خودرو دیگری که پس از سبقت گرفتن از آن‌ها ناگهان جلو خودرو آن‌ها می‌پیچد، متحمل خسارت شده، علیه دوست راننده خود و شرکت بیمه‌اش اقامه دعوا می‌کند. دادگاه راننده و شرکت بیمه را به پرداخت کل خسارت محکوم می‌کند، ولی دیوان به حق رجوع آن‌ها به راننده خطاکار برای گرفتن تمام خسارت حکم می‌کند (به نقل از: [۹، ص ۱۱۷]).



میان آنان، همان سه دیدگاه و راه حل که در حقوق فرانسه وجود دارد، ارائه شده است: (۱) معیار درجه تأثیر، (۲) معیار درجه تقصیر، (۳) معیار تقسیم به نسبت مساوی. با وجود این، همان طور که خواهیم دید تفاوت حقوق ایران با دو کشور مزبور در این است که در حقوق ما هریک از این سه راه حل به نحوی در قوانین ما مورد اشاره قرار گرفته است. از این رو، جمع بین آن‌ها و ایجاد یک قاعده کلی برای تمامی موارد با مشکل مواجه است. در زیر به بررسی هریک از این معیارها خواهیم پرداخت:

۳-۱. معیار درجه تأثیر

برخی از حقوقدانان [۱۳، ص ۳۹۵؛ ۱۴، ص ۲۵۷؛ ۱۵، ص ۵۶۸] بر این باورند که تقسیم خسارت باید به نسبت سهمی که هریک از اسباب در ایجاد خسارت دارد، صورت گیرد.^۱ از جهت نظری، تقسیم خسارت براساس این معیار، امری منطقی و عادلانه است و قانونگذار نیز در برخی از نصوص قانونی آن را پذیرفته است. از جمله، در قسمت دوم ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی چنین آمده است: «در این مورد، میزان مسئولیت هریک از آنان با توجه به نحوه مداخله هریک، از طرف دادگاه تعیین خواهد شد». همچنین معیار درجه تأثیر براساس مواد ۳۱۸ تا ۳۲۰ قانون مدنی در مورد حق رجوع یکی از غاصبان به غاصب دیگری که مال یا منفعت آن در دست او از بین رفته، اعمال شده است.

از این رو، می توان معیار درجه تأثیر را از مواد مذکور استنباط کرد و در نتیجه چنانچه یکی از مسؤولان تمام خسارت را به زیان دیده بپردازد می تواند برای دریافت بخشی از مبلغ پرداختی به مسؤول دیگر رجوع کند. بخش مورد مطالبه به نسبت درجه تأثیر هریک از مسؤولان در ایجاد حادثه زیان بار تعیین می شود. البته یکی از عوامل مؤثر

۱. البته برخی از استادان حقوق معتقدند مسئولیت تضامنی در حقوق ایران خلاف اصل است و به همین دلیل موارد خاص که مسئولیت تضامنی در قانون مقرر شده، مانند غصب، بند «ج» ماده ۱۶۵ قانون دریایی و ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی، قابل تعمیم به سایر موارد نیست. بنابراین مسئولیت هریک از اسباب نسبی بوده، به نسبت تاثیر عمل آن‌ها در ایراد خسارت یا به طور مساوی باید تقسیم شود [۵، ص ۲۱۲-۲۱۳].

در تعیین میزان این تأثیر، شدت و ضعف تقصیر هریک از مسؤولان است [۱۶، ص ۴۹۷-۴۹۸ و ۵۱۸].

۳-۲. معیار درجه تقصیر

این معیار در حقوق ایران با توجه به قسمت اول ماده ۱۶۵ قانون دریایی (مصوب ۱۳۴۳/۸/۲) مورد قبول قرار گرفته است. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «اگر دو یا چند کشتی مرتکب خطا شوند، مسؤولیت هریک از کشتی‌ها متناسب با اهمیت تقصیری است که از آن کشتی سر زده است. معذک اگر تشخیص اهمیت تقصیر با شواهد و قرائن ممکن نباشد و یا تقصیر طرفین به نظر یکسان برسد، طرفین به نسبت تساوی مسؤول خواهند بود ...».

تنها مقرره‌ای که برای تأیید معیار درجه تقصیر در حقوق ایران به آن استناد شده ماده فوق‌الذکر است و این ماده ویژه خسارت‌های دریایی است [۱۶، ص ۵۰۶]. بنابراین، معیار درجه تقصیر از عمومیت برخوردار نبوده، قابلیت تعمیم به تمامی موارد تعدد مسؤولان را ندارد.

به‌علاوه، پذیرش این معیار مغایر با ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی است که درباره عدم تأثیر درجه تقصیر در صورتی که هر دو مسؤول مقصر باشند، مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر برخورد دو سوار، وسیله نقلیه آن‌ها مانند اتومبیل خسارت ببیند در صورتی که تصادم و برخورد به هر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند یا هیچ‌کدام مقصر نباشند هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود، خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند و خواه میزان تقصیر آن‌ها مساوی یا متفاوت باشد و اگر یکی از آن‌ها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است». بنابراین، اگر چه تقصیر معیار مناسبی برای تعیین و شناسایی سبب یا اسباب مسؤول است، اما تقسیم مسؤولیت به نسبت درجه تقصیر در حقوق ایران امری استثنایی است و به‌عنوان یک معیار کلی قابل پذیرش نیست [۱۷، ص ۳۹۹].



۳-۳. معیار تقسیم به نسبت مساوی

پذیرش معیار تقسیم به نسبت مساوی نیز در حقوق ایران با توجه به ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی صورت گرفته است که مقرر می‌دارد: «هر گاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور مساوی عهده‌دار خواهند بود».

این ماده منطبق با نظر مشهور فقها است که به معیار تساوی مسؤلیت در جایی که چند نفر سبب واحدی را ایجاد کنند، حتی اگر میزان تأثیر آن‌ها متفاوت باشد، حکم کرده‌اند [۱۸، ص ۵۶۹، مسأله ۴].

برخی از حقوقدانان [۱۷، ص ۴۰۰] بر این باورند که ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی حکم موردی را مقرر می‌دارد که هر یک از اسباب به طور مساوی در ایجاد خسارت نقش مؤثر دارند. از این رو، مسؤلیت هم به طور مساوی میان آنان تقسیم می‌شود. در واقع ایشان بر این عقیده‌اند که ماده مذکور را باید چنین توجیه کرد: چون اصل بر تأثیر هر یک از اسباب به طور مساوی است پس تقسیم مسؤلیت هم به طور مساوی خواهد بود، مگر این که خلاف آن ثابت شود. به عبارت دیگر این ماده قاعده‌ای را ایجاد می‌کند که اگر تأثیر اضافی برخی از اسباب نسبت به برخی دیگر ثابت نشود، اصل بر تساوی مسؤلیت است؛ ولی اگر تأثیر اضافی برخی از اسباب ثابت شود باید براساس آن حکم صادر شود.

البته فقها در برخی موارد دیگر به تساوی مسؤلیت افراد متعدد بدون در نظر گرفتن میزان تأثیر هر یک از آنان در ایجاد خسارت، حکم کرده‌اند. برای نمونه، چنانچه عده‌ای با هم کاری را انجام دهند که منجر به کشته شدن یکی از آن‌ها بر اثر خطا گردد، مانند این که با هم دیواری را خراب کنند و در هنگام فرو ریختن دیوار، یکی از آنان زیر آوار برود و کشته شود، در این حالت دیه بر عهده همه خراب‌کنندگان از جمله شخص مقتول است و باید به طور مساوی میان آن‌ها تقسیم شود [۱۹، ص ۳۰۱] و به میزان نقش و توان هر یک از آن‌ها در ایجاد حادثه زیان‌بار توجه نمی‌شود.

این معیار، علاوه بر سادگی، دادرسی را مجبور نمی‌کند تمام عواملی را که در ایجاد

خسارت دخالت داشته‌اند مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد و میزان تأثیر هریک را مشخص کند. ولی باید متذکر شد که یکی از اهداف حقوق، اجرای عدالت است و تسهیل کار دادرسان اگر هم مد نظر باشد در مراتب بعدی است. از این رو، معیار تساوی، عادلانه به نظر نمی‌رسد؛ زیرا ممکن است فردی تأثیر کم‌تری نسبت به شخص دیگر در ایجاد خسارت داشته باشد؛ ولی با اجرای این معیار، معادل شخص مزبور ملزم به پرداخت خسارت شود. برای مثال، نوجوانی به اتفاق مردی نیرومند، سنگی را می‌غلتاند و آن را روی خودرو متعلق به زیان‌دیده می‌اندازد و باعث ورود خسارت به آن می‌شود. در این صورت، تأثیر عمل آن دو در ایجاد خسارت یکسان نیست و تقسیم خسارت به طور مساوی برخلاف عدالت است.

از این رو، برخی از نویسندگان گفته‌اند: مفاد ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی منافاتی با تقسیم خسارت بر حسب درجه تأثیر ندارد؛ زیرا این ماده ناظر به موردی است که نتوان میزان تأثیر هریک از اسباب را در ایجاد خسارت تعیین کرد. به عبارت دیگر، این ماده فاقد حکم ثبوتی است و تنها در مرحله اثبات، یک اماره قانونی ایجاد کرده تا دادرس با تمسک به آن به تأثیر مساوی اسباب و در نتیجه، تقسیم خسارت به نسبت مساوی حکم کند؛ مگر آن‌که خلاف این اماره قانونی ثابت شود [۱۷، ص ۳۹۸].

بدیهی است در این صورت پس از این که خلاف اماره ثابت شود، دیگر جایی برای تمسک به آن باقی نمی‌ماند؛ زیرا اماره تاب برابری با دلیل را ندارد و تنها در صورتی که دلیل وجود نداشته باشد می‌توان به اماره استناد کرد.

علاوه بر این، ظاهر ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی (تقسیم خسارت به نسبت مساوی) مخالف با بسیاری از مقررات مربوط به تقسیم مسئولیت و خسارت در قوانین مختلف بوده، عمل به آن موجب بر هم زدن نظم حقوقی می‌شود. برای مثال، قسمت دوم ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی و مقررات مندرج در مواد ۳۱۸ تا ۳۲۰ قانون مدنی که متخذ از فقه اسلامی است، در مورد حق رجوع یکی از غاصبان به غاصب دیگری که مال یا منفعت آن در دست او از بین رفته، تقسیم براساس میزان تأثیر را مقرر کرده‌اند.



همچنین تقسیم خسارت به نسبت مساوی میان مسؤولان متعدد با نظریه برابری اسباب تناسب دارد؛ زیرا وقتی دو سبب در ایجاد خسارت نقش مؤثر دارند، برابری آنها ایجاب می‌کند که هر کدام مسؤول نیمی از خسارت باشد [۱۶، ص ۵۰۷]. این نظریه نیز مبتنی بر غیر قابل تقسیم بودن مسؤولیت و خسارت است؛ ولی تقسیم براساس میزان تأثیر هر یک از اسباب با نظریه سبب متعارف که نظریه‌ای منطقی و عادلانه است و مسؤولیت و خسارت را قابل تقسیم می‌داند، تناسب دارد. بنابراین، تکیه بر ظاهر ماده ۳۶۵ قانون یاد شده، علاوه بر مخالفت با بسیاری از مقررات قانونی و بر هم زدن نظم حقوقی موجب کنار گذاشتن اصول و مبانی مربوط به ضمان و مسؤولیت مدنی می‌شود و به‌ویژه با قول و رأی اکثر فقها درباره مسؤولیت مسؤولان متعدد، مبنی بر تشریک و تقسیم خسارت با رعایت شدت و ضعف تأثیر عمل هر یک از اسباب تعارض دارد [۲۰، ص ۸۱۷].

در هر حال، چنانچه نتوان از نص ماده یاد شده دست کشید باید جهت کاستن از دایره شمول آن، مفاد ماده مذکور را مختص موردی دانست که دو نفر به اشتراک سبب واحدی را به وجود می‌آورند، نه مواردی که هر سبب، مستقل از سبب دیگر، در ایجاد خسارت نقش مؤثر دارد.

برخی دیگر از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که: هرچند معیار تساوی به‌عنوان قاعده عمومی در حقوق ایران پذیرفته شده و معیارهای دیگر مندرج در ماده ۱۴ قانون مسؤولیت مدنی و بند ۱ ماده ۱۶۵ قانون دریایی، استثنا و خلاف اصل است، ولی از آنجا که تقسیم براساس میزان تأثیر عمل، منطقی و عادلانه‌تر است باید به آن ترتیب اثر داده شود. به عبارت دیگر باید گفت: اصل، تقسیم مسؤولیت به طور مساوی است، مگر آن‌که ثابت شود فعل یا تقصیر یکی از مسؤولان کمتر یا بیش‌تر از دیگری مؤثر بوده است [۵، ص ۲۲۶].

۴. نتیجه‌گیری

حقوقدانان فرانسه برای تقسیم خسارت در مواردی که سبب ایراد خسارت متعدد باشد

سه معیار (تقصیر، تساوی و میزان تأثیر) را پیشنهاد کرده‌اند؛ اما هیچ‌یک از این معیارهای سه‌گانه در قانون مدنی این کشور ذکر نشده و دیوان فرانسه نیز انتخاب هریک از آن‌ها را به قضات واگذار کرده است. اما با این‌که نظریه سببیت کلی با لحاظ عدالت، مقتضی تقسیم خسارت به نسبت تساوی میان مسؤولان است و نظریه سببیت جزئی نیز تقسیم خسارت به نسبت میزان تأثیر را اقتضا می‌کند، در عمل، دادگاه‌های فرانسه در صورت عدم حکم به تساوی اسباب متعدد، به تقسیم مسؤولیت براساس درجه تقصیر رأی می‌دهند؛ امری که نه با نظریه سببیت کلی سازگاری دارد و نه نتیجه منطقی نظریه سببیت جزئی است؛ زیرا درجه تقصیر هر سبب الزاماً با میزان تأثیر آن در ایجاد خسارت یکی نیست، هرچند ممکن است تقصیر در تشخیص میزان تأثیر مؤثر واقع شود.

در حقوق ایران نیز هرچند هر سه معیار مذکور برای تقسیم خسارت، در مواد قانونی مورد اشاره قرار گرفته، لکن معیار تقصیر، امری استثنایی و مختص به خسارات دریایی است و معیار تساوی نیز مختص به موردی است که دو نفر به اشتراک سبب واحدی را به وجود آورند، نه مواردی که هر سبب، مستقل از سبب دیگر، در ایجاد خسارت نقش مؤثر داشته باشد. در فرض اخیر می‌توان معیار تساوی را در صورت عدم احراز تفاوت در تأثیر اسباب متعدد، برخلاف ظاهر ماده ۳۶۵ ق.م.ا. فرض و اماره قانونی به شمار آورد. بنابراین به نظر می‌رسد معیار میزان تأثیر که منطبق با نظریه سببیت جزئی و وجود رابطه سببیت میان خسارت و فعل زیانبار است معیار قابل تأیید در حقوق ایران محسوب می‌شود.

۵. منابع و مأخذ

- [۱] عیسائی تفرشی و دیگران، «تأثیر همراهی قوه قاهره با تقصیر خواننده بر مسؤولیت مدنی»، *مدرس علوم انسانی*، دوره یازدهم، ش ۴، ۱۳۸۶.
- [۲] لورراسا، میشل، *مسؤولیت مدنی*، ترجمه محمد اشتری، تهران، حقوقدان، ۱۳۷۵.



- [۳] ژوردن، پاتريس، اصول مسؤوليت مدني، ترجمه و تحقيق مجيد اديب، تهران، ميزان، ۱۳۸۲.
- [۴] النقيب، عاطف، النظرية العامة للمسؤولية الناشئة عن فعل الاشياء في مبادئها القانونيه و اوجهها العمليه، ج ۲، بيروت، منشورات عويدات، ۱۹۸۱.
- [۵] صفايي، سيد حسين و رحيمي، حبيب الله، مسؤوليت مدني (الزامات خارج از قرارداد)، تهران، سمت، ۱۳۸۹.
- [6] Mazeaud (Henri et Leon) par Jean Mazeaud, *Traité Théorique et Pratique de la Responsabilité Civile Delictuelle et Contractuelle*, Préface par Henri Capitant. Tome II, Sixième Édition, Éditions Montchrestien. Paris, 1970.
- [7] Mazeaud (Henri, Leon et Jean) par Michel de Juglart, *Leçons de Droit Civil*, Tome Deuxième, Cinquième Édition, Premier Volume, Éditions Montchrestien, 1973.
- [8] Marty (Gabriel) et Raynaud (Pierre), *Droit Civil*, Tome II, Premier Volume, Les Obligations, Sirey, 1962.
- [۹] محمد ابراهيم، جلال، الرجوع بين المسؤولين المتعددين، كويت، ۱۹۹۳-۱۹۹۲.
- [10] Planiol (Marcel) et Ripert (Georges), *Traité Pratique de Droit Civil Français*, Tome VII, Obligations, Deuxième Partie, par Gabolde, L. G. D., J., Paris, 1933.
- [۱۱] السنهوري، عبدالرزاق احمد، الوسيط في شرح القانون المدني الجديد، ج ۱، ج ۳، بيروت، منشورات الحلبي الحقوقية، ۱۹۹۸.
- [12] Viney (Geneviève) *Traité de Droit Civil, Les Obligations. La Responsabilité: Conditions*. L. G. D. G., 1982.
- [۱۳] امامي، سيد حسن، حقوق مدني، ج ۱، ج ۲۴، تهران، اسلاميه، ۱۳۸۳.
- [۱۴] اميري قائم مقامی، عبدالمجيد، كليات حقوق تعهدات - وقايع حقوقی، ج ۱، تهران،

میزان و دادگستر، ۱۳۷۸.

[۱۵] صفایی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی: تعهدات و قراردادهای، ج ۲، تهران،

مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۱.

[۱۶] کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، ج ۱، چ ۶، تهران، دانشگاه

تهران، ۱۳۸۶.

[۱۷] قاسم‌زاده، سید مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، چ ۲، تهران، میزان، ۱۳۸۳.

[۱۸] خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، چ ۲، نجف اشرف، انتشارات آداب، ۱۳۹۰ق.

[۱۹] خویی، سید ابولقاسم، مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، چ ۲، قم، دارالهادی، ۱۳۹۶ق.

[۲۰] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران، بنیاد

راستاد، ۱۳۵۷.

